

روز

روز

شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۲
شمارهٔ ۴۰۶۲

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

روز

بحران آموزش و پرورش – بخش ۵

تربیت هویت‌محور



سیدسعید لواسانی

استاد دانشگاه

یکی از مهم‌ترین محورهای تربیت، تربیت هویت‌محور است. هویت امری سیال است و با تربیت قابل انتقال به نسل‌های آینده است و هرگز نباید نسبت به آن کاهل بود، آن‌هم نسبت به هویت ریشه داری که در جان و دل مردم‌ش ریشه دارد. از سوی دیگر در حوزهٔ تربیت که موضوع آموزش و پرورش است با کسانی رویه رو هستیم که در فرآیند حرکت جوهری از قوه به فعل درمی‌آیند. به تعبیر دیگر به مثابهٔ آینه‌هایی هستند که امکان انعکاس حق و هویت اصیل انسانی در آنان وجود دارد، بلکه تربیت به معنای همین انعکاس و بازتاب است. انسان تا نژده است مسیر قوه تا فعل را طی می‌کند اما سننین کودکی تا جوانی سرعت سیر او شدید است و به اصطلاح دوران تربیت‌پذیری است زیرا آینه‌های آنان صاف است و هیچ تاریکی و کدورتی آنها را نپوشانده. این دوران، زمانه شگوفایی استعدادها و قوه‌ها و فطرت اولیه است و آمادگی پذیرندگی در آن زیاد است و خطر آنجاست که می‌تواند این استعدادها و قوه‌ها به جهتی عکس شکل بگیرد و فطرت سرشته‌شده در پردهٔ تربیت ناصحیح برود و نه تنها شگوفایی رخ ندهد، بلکه انحراف و کژ در جان و دل آنها ریشه بدهاند که این مقدمه سقوط است. پس تربیت هویت‌محور بسیار مهم است، بلکه محور تربیت، تربیت هویتی است و این تربیت در جهت تعالی و تکامل و سعادت است اما ضد آن تنزل هویتی را در پی خواهد داشت که از آن به هویت معکوس و منکوس یاد می‌کنیم. از سوی دیگر آینه‌ی متعلق به آنان است، زیرا این اصل مسلمی است که آینده کشور و نظام بستگی تام به نسل آینده دارد. از طرف دیگر مقصود و مقصد انقلاب اسلامی برای کل جهان است، نه فقط اهداف بومی یا محلی و منطقه‌ای. یعنی بنادارد که جهان بشیریت را از ظلمت به نور بیاورد. بنابراین نیازمند علم جهانی، فرهنگ جهانی، سیاست جهانی و تمدن جهانی است و لازم است تربیت جهت جهانی داشته باشد، نه محلی و منطقه‌ای و بومی و ملی صرف. به تعبیر دیگر در تربیت باید همه جانبه دید و مقتضیات محل، منطقه، کشور و جهان را با هم در نظر گرفت. از سوی چهارم او در اکنون زندگی می‌کند و فرزند زمانه خویش است و گذشته برای او دور است و آینده نیز از او بعید است و چون تحقق ندارد، تصور روشنی از آن ندارد. اما در تربیت باید رابطه اکنون و گذشته و آینده را برای او ترسیم کرد و آن سه را پیوند زد.

به بیان دیگر به تعبیر حضرت امام خمینی(ره)؛ انسان حیوان بالفعل و انسان بالقوه است و تنها با تربیت، این قوه به فعل تبدیل می‌شود. اما انسانیت انسان به روح و جان او یعنی صورت ملکوتی اوست که صورت ملکی یعنی بدن و حیوانیت تابع آن است و حقیقت این صورت ملکوتی با خروج نفس از بدن و غلبه سلطان آخرت که اولش عالم برزخ است، مکشوف می‌شود. به این دلیل تربیت واجب است. زیرا الاّ این صورت در ابتدای امر استعداد محض است و تا رسیدن به مقصد، راه طولانی باید طی شود، ثانیاً صورت تبدیل به سیرت می‌شود و نباید با اوست. از سوی دیگر تربیت امری تدریجی است که در طول زمان حاصل می‌شود و بهترین زمان آن، همان زمان و دوران دانش‌آموزی است. اما آیا چنین امری در آموزش و پرورش ما وجود دارد؟ الان یکی از مشکلات کشور ما آن است که در میان کسانی که در دبیرستان‌های ایران (از عنوان خوشم نمی‌آید اما چارای آن نادران) تحصیل می‌کنند، برخی دنبال مهاجرت به کشورهای دیگر با ویزای تحصیلی اما به قصد زندگی و اقامت دائم هستند. اغلب این افراد، عرق چندانیه به کشور خود ندارند. این امر اگر عمومی نباشد اما به حدی است که باید نسبت به آن احساس خطر کرد و نباید از آن به سادگی گذشت. گروهی به خود را یافته جدا یافته از مردم می‌دانند و حساب خاص برای خود می‌کنند و در توهم ژن برتر غوطه‌ورند. وضع مدارس دولتی نیز به‌گونه‌ای است که خانواده‌های متوسط، از زندگی خود کتم می‌گذرانند تا فرزندان خود را به مدارس غیرانتفاعی بفرستند تا اقل از تربیت آنها خیال‌شان آسوده باشد، ضمن اینکه بچه‌های آنان در رقابت کنکور خیلی عقب نمانند.

نکته مهم آنکه تربیت و پرورش از آموزش جدا نیست و امکان هم ندارد که از آن جدا شود. به تعبیر دیگر اگر امکان آموزش بدون تربیت – شاید سخت – باشد اما تربیت بدون آموزش، سخنی بی‌وجه است. آموزش و پرورش متخصص به معنای خاص آن تربیت نمی‌کند و هدف و آن نیز این نیست. بلکه جامعه‌خند خود را باید آماده زندگی در جهانی‌وری زیست خصوصی خود کند و چه بسا نیازمند آموزش‌های تخصصی بیرون مدرسه داشته باشد و این هدف تربیت و پرورش عمومی است که آموزش و پرورش و مدارس متکلف آن هستند. بنابراین تربیت هویتی همراه و عجین با آموزش صحیح است. از این رو تربیت هویت‌محور ضرورت زیست ایرانی است. ما اگر فرزندان خود را دوست داشته باشیم، باید آنان را با هویت ملی و ایرانی آشنا کنیم تا به ایران عشق بورزند و مظاهر ایران را هم دوست داشته باشند و دل آنان برای آبادی و عزت ایران بتپد. اما این امر بدون توجه به هویت اسلامی و شیعی و هویت انقلابی که احیا عزت ایرانی و اسلامی در جهان پرشروط کنونی است، امکان ندارد. این امر ذاتاً در حوزه تربیت رخ می‌دهد اما هرگز جدا از آموزش نیست.

نکته مهم دیگر که معمولاً مغفول واقع می‌شود این است که فرزندان ایران باید برای مشارکت عمومی در امر سیاسی و امر عمومی و همکاری و تعاون بر پایه نیکی و تقیارتربیت شوند. ایران انقلابی کشوری است که بدون مشارکت مردم امکان ندارد بتواند به قله‌هایی که برای خود ترسیم کرده است، برسد. بنابراین مشارکت مردم در امر سیاسی و امر عمومی لازمه زیست ایرانی است و این امر با تربیت حاصل می‌شود. شاکله مدارس باید به‌گونه‌ای سامان یابد که کودکان از دوران دبستان- بلکه اصلی‌ترین دوران، همین دوره است- تا پایان دوره اول دبیرستان، به‌صورت کامل سیاسی و اجتماعی بار بیایند و تلاش کنند همه مسائل را در همکاری و تعاون با دیگران حل و فصل کنند و سال‌های نوبت دوم دبیرستان باید دوره تثبیت تلقی گردد. در این جهت درس تربیت بدنی نقش مهمی دارد اما تنها این درس نیست، بلکه بقیه دروس نیز باید بر پایه همین اصل تربیتی سامان یابد.

اما مشکل از تربیتی است که در مدارس اعمال می‌شود و دانسته یا ندانسته به جهتی غیر از جهت درست تربیت حرکت می‌کند و به کودک و استعدادهای او ضرری زدد و کمال او را برعکس می‌دارد. چرا اصلی‌ترین شرایط و اصول تربیت در این نظام نادیده گرفته می‌شود؟ و چر این نظام توان و امکان رسیدن به اهداف تربیتی انقلاب اسلامی را ندارد؟ چرا فرزندان ما با این اخلاق و فرهنگ بزرگ می‌شوند که هرکس گلیلم خود را از آب بیرون بکشد؟ و چه باید کرد که تربیت و تعلیم از این بن بست نجات پیدا کند؟ و چگونه اشتباهات نظام و روش‌های تربیتی آموزش و پرورش را می‌توان اصلاح کرد؟ مساله اصلی کجاست؟ مساله را باید در تربیت توده‌وار دید. به خواست خدای سبحان در یادداشت بعد توضیح بیشتری می‌دهیم.

ادامه دارد...

رئیس آژانس انرژی اتمی در اظهارنظری از برخورد تنبیهی ایران با آژانس خبر داد

«پاسخ سیاسی» ایران در جواب «سیاسی‌کاری» آژانس



می‌کند... گزارش‌های آژانس انرژی اتمی عدم انطباق براساس یک‌سری از بندها را گزارش می‌کند، اما بنند ۲۶۳۶ که ایران در برجام به آن عمل می‌کند، وظیفه آژانس نیست که عدم‌اجرای تعهدات طرف‌های برجام را گزارش کند. ما خودمان باید گزارش دهیم این کار را انجام می‌دهیم، اما گزارش‌های ما شنیده نمی‌شود.» بر این اساس می‌توان گفت اظهارات اخیر گروسی ناظر به تنبیه آژانس توسط ایران علاوه‌بر اینکه دقیق نبوده است، بر مبنای قوانین موجود نیز اظهارنظر در این رابطه در حوزه اختیارات رئیس آژانس انرژی اتمی نبوده و گروسی مشخصاً فراتر از اختیارات قانونی خود اظهارنیز کرده است.

اظهارات فراقانونی گروسی

نکته‌ای که در این میان مورد توجه قرار دارد این است که اظهارات گروسی مبنی‌بر عدم تعهد ایران در مقابل آژانس پیش از این نیز در رسانه‌ها مطرح شده است. امری که این سوال را به وجود آورده اگر محدودیت‌های ایران برخلاف قانون و تعهدات پادمانی صورت گرفته، چرا آژانس شکایت خود را به صورت رسمی دنبال نمی‌کند و صرفاً به مطرح کردن این اظهارات در رسانه‌ها اکتفا کرده است. تکرار چندباره اظهارنظرهای آژانس علیه ایران، این گزاره را تقویت کرده آژانس خارج از تعهدات قانونی خود به دنبال اعمال فشار سیاسی برای حضور ایران پای میز مذاکره و دادن امتیازات بیشتر به طرف مذاکره‌کننده است، امری که عدم‌پیگیری این ادعا‌ها در چهارچوب قانونی نیز این شائبه را تقویت کرده که آژانس در راستای منافع کشورهای مذاکره‌کننده با ایران رفتار می‌کند. در ادامه این اظهارات گروسی به این نکته اشاره کرد دبپلماسی تنها چیزی است که ما به آن نیاز داریم. امری که بار دیگر این سوال را ایجاد می‌کند که مطرح کردن لزوم ادامه مذاکرات یا گفت‌وگو در این رابطه چه ارتباطی با اقدامات و فعالیت‌های آژانس در ایران دارد. با این وجود به‌نظر می‌رسد محکوم کردن ایران به سیاسی‌کاری در چهارچوب اقدامات آژانس در شرایطی اتفاق می‌افتد که نگاهی به اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های گروسی و آژانس انرژی اتمی این گزاره را تأیید می‌کند آژانس بی‌توجه به اختیارات قانونی خود به اظهارنظرهای سیاسی علیه ایران پرداخته و یکی از موارد آن انتشار گزارش‌های آژانس در رسانه‌ها در شرایطی است که هنوز درستی یا نادرستی آن تأیید نشده؛ امری که منجر به افزایش فشارهای بین‌المللی علیه ایران شد. درحال حاضر نیز ایران بر مبنای توافق برجام و به دنبال بدعهدی طرفین، تعهدات خود را کاهش داده که با این وجود به‌نظر می‌رسد اظهارات گروسی ناظر به این تعهدات است و به دنبال وارد کردن فشار بر ایران برای لغوآن محدودیت‌هاست، آن‌هم در شرایطی که کشورهای مذاکره‌کننده به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. برای بررسی اظهارات و صحبت‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حمیدرضا غلامزاده، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

شرایط پرتنش منطقه نگرانی درباره دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای را تشدید کرده است

غلامزاده ابتدا ناظر به محکوم کردن ایران به سیاسی‌کاری گفت: «آقای گروسی حرف درستی زده اما حرف نصفه‌ای زده است، آن‌هم به این معنا که خود آژانس مواضع آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها را در نسبت خود با ایران دخیل کرده است و طبیعتاً وقتی آنها سیاسی‌کاری کردند ایران نیز با آژانس برخورد سیاسی کرد و جلوی سیاسی‌کاری آنها را گرفت. اظهارات گروسی به این معنا درست است اما بدو ماجرا کاری بوده که خود آژانس انجام داده و به‌خاطر این سیاسی‌کاری‌ها و اینکه آلت دست آمریکا و اروپا شدند، ایران هم با آنها مقابله‌به‌مثل کرده و طبق چهارچوب و قاعده بین‌المللی، همکاری‌ها را محدود کرده است. اینکه اتهام‌زنی به سمت ایران برود امر طبیعی است؛ چراکه می‌خواهند به ایران فشار سیاسی وارد کنند و نکته اینجاست که الان دیگر ادبیات به این سمت که همه گزینه‌ها روی میز است، نمی‌رود و این تعامل و فضا که راه دیپلماسی باز است و ما باید صحبت کنیم به نوعی برای این است که خیال آنها راحت شود که تنش افزایش پیدا نخواهد کرد، چون باید این را در کنار مابقی حوادث و اتفاقات منطقه دانست. تحولاتی که الان در منطقه وجود دارد و شرایط پرتنش منطقه این نگرانی را برای آنها به وجود آورده که اگر ایران احیاناً و به‌زعم آنها شرایطی پیدا کند که به سمت سلاح هسته‌ای برود برای آنها خطرناک است و آنها این احساس خطر را می‌کنند. اینکه دوباره صحبت از دیپلماسی و محدودیت‌ها و دوری از سیاسی‌کاری‌ها مطرح می‌شود، بخشی از آن را باید اینجا و در تحولات منطقه‌ای دید که آنها نگرانند اگر شرایط در منطقه پرتنش شود، ایران انگیزه‌ای پیدا کند که به



زهرا طیبی

خبرنگار گروه نقد روز

«این راهی برای تنبیه کردن ماست، وقتی چیزی باشد که فرانسه، انگلیس یا آمریکا بگویند از آن رضایت ندارند، انگار آنها (ایران) آژانس را در اختلافات سیاسی شان با بقیه گروگان می‌گیرند. این برای ما غیرقابل قبول است.» این بخشی از اظهارات رافائل گروسی، رئیس آژانس انرژی اتمی در حاشیه نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس است. مهم کردن ایران به سیاسی‌کاری البته امری نیست که در اظهارات رئیس کل آژانس انرژی اتمی تاگی داشته باشد، چندی پیش بعد از لغو مجوز برخی از بازرسان آژانس در ایران، گروسی این اقدامات را بیش از حد خواند که بر اقدامات عادی آژانس تأثیر می‌گذارد. با این حال گروسی بار دیگر این اظهارات را در گفت‌وگوی اخیر خود هم مطرح و ادعا کرده، لغو مجوز برخی از بازرسان آژانس تنها به‌خاطر ملیت آنها اتفاق افتاده است. درواقع تکرار چندباره این اظهارات تنها در رسانه‌ها و تلاش برای محکوم کردن ایران به انجام اقدامات خارج از چهارچوب، بار دیگر اتهام ادامه سیاسی‌کاری‌ها از جانب آژانس برای اعمال فشار بر ایران را تقویت می‌کند.

گروسی روی فرمان سیاسی‌کاری

گروسی در اظهارات اخیر خود، به موضوعی که چند ماهی می‌شود میان آژانس و ایران محل بحث است، اشاره کرد. واخر شهریورماه بود که ایران مجوز فعالیت ۸ بازرس آژانس را به‌خاطر فعالیت و اقدامات سیاسی لغو کرد. این امر بر مبنای ماده ۹ موافقتنامه جامع پادمان میان ایران و آژانس صورت گرفت و ایران این حق را داشت که مجوز برخی از بازرسان آژانس را تأیید نکند، با این حال اما ادعای محدود شدن دسترسی بازرسان آژانس گزاره درستی نبود و درحال حاضر نزدیک به ۱۲۷ بازرس تأیید شده آژانس در ایران به فعالیت مشغول هستند. امری که رئیس سازمان انرژی اتمی نیز به آن تأکید کرد و گفت: «ما در چهارچوب پادمان همکاری و عمل می‌کنیم و وقتی آنها بازرس معرفی می‌کنند ما حق داریم بررسی کنیم و هیچ مقام و قانونی اجازه ندارد بازرسی را به ما تحمیل کند.» نکته قابل توجه این است که لغو مجوز برخی از بازرسان آژانس بعد از آن اتفاق افتاد که در جریان بازرسی یکی از بازرسان ادعا کرد که اورانیومی با غلظت ۸۳٫۷ درصد کشف شده است، درحالی‌که این موضوع صرفاً در حد یک ادعا بود و صحت و سقم آن هنوز مورد تأیید قطعی قرار نگرفته، در رسانه‌ها منتشر شد، امری که مشخصاً فشارها بر ایران را در مجامع بین‌المللی تشدید کرد و نهایتاً نیز این امر مورد تأیید آژانس قرار گرفت که ادعای اولیه مطرح شده درباره میزان غلظت اورانیوم درست نبوده است. علاوه بر این برخی اقدامات خارج از چهارچوب برخی از این بازرسان منجر به لغو مجوز آنها شد. با این وجود گروسی در اظهارات اخیر خود اعلام کرد ایران برخی از بازرسان را تنها به‌خاطر ملیت آنها نپذیرفته است. این اظهارات البته در شرایطی مطرح می‌شود که ایران بر مبنای قانون این اجازه را دارد مجوز برخی از بازرسان را تأیید نکند و این به معنای محدود شدن فعالیت‌های آژانس نیست، با این حال اما به‌نظر می‌رسد در برای آژانس بین‌المللی بر همان پاشنه سیاسی‌کاری می‌چرخد. امری که این گزاره را تقویت می‌کند که آژانس همچنان به دنبال محکوم کردن ایران به عدم‌پایبندی به تعهدات خود است. این موضوع در شرایطی مطرح می‌شود که بر مبنای قانون، آژانس اجازه اظهارنظر در مورد این مسائل را ندارد.

ایران به فعالیت‌های خود در چهارچوب پادمان عمل می‌کند

گروسی در بخش دیگری از اظهارات خود به این موضوع اشاره می‌کند که ایران برای تنبیه کردن فرانسه، انگلیس و آمریکا دسترسی‌های آژانس را محدود می‌کند. این اظهارنظر در شرایطی مطرح می‌شود که درحال حاضر همکاری ایران و آژانس در چهارچوب قواعد پادمان درحال انجام است و بازرسان آژانس به فعالیت و بازرسی خود نیز مشغول هستند. بر این اساس محدودیتی متوجه اقدامات پادمانی آژانس نبوده، اما موضوعی که به‌نظر می‌رسد محل تأکید گروسی بوده، تعهداتی است که ایران در چهارچوب برجام به آن متعهد بوده و نکته قابل توجه این است که ایران خود باید گزارش انجام این تعهدات را ارائه کند. درحالی‌که برخی از این گزارش‌ها از جانب آژانس منتشر می‌شود و این وظیفه قانونی آژانس نیست، در همین راستا اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی نیز گفت: «ما عضو پادمان هستیم و مطابق پادمان با آژانس همکاری می‌کنیم و بازرسان آژانس نیز طبق پادمان کارشناس اعزام کرده و در تاسیسات هسته‌ای کشور دوربین نصب

سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و شرایط از کنترل آنها خارج شود. یک تفکر اینچنینی پشت ماجراست و می‌خواهند به این شکل به نوعی ماجرا را مدیریت کنند، اینکه ایران را وارد فضای دیپلماسی و گفت‌وگو کنند و جلوی افزایش تنش را بگیرند. ضمن اینکه اگر دوباره این مسیر برقرار بشود، در حاشیه این مذاکرات نیز ممکن است گفت‌وگو ناظر به موارد دیگر هم صورت بگیرد و مسائلی مثل فلسطین، یمن و لبنان و سوریه نیز مطرح خواهد شد، کم‌اینکه قبلاً هم مطرح می‌شد الان به شدت به آن نیاز است، شاید بشود گفت آن موقع به‌عنوان یک وجه جانبی مذاکرات مطرح بود الان شاید اصلاً به دنبال مذاکرات هسته‌ای هستند که در حاشیه این موارد را مطرح کنند و این برایشان فوریت و اولیت بیشتری داشته باشد تا مذاکرات در مساله هسته‌ای.»

غلامزاده در ادامه درباره لغو مجوز برخی از بازرسان که مورد تأکید گروسی است نیز توضیح داد: «ایران به این خاطر پروانه فعالیت برخی از بازرسان را محدود کرده که مواردی از اقدامات بازرسان آژانس صرفاً سیاسی‌کاری نبوده است و برخی از آنها حتی به خرابکاری نیز منتهی شده است، ایران طبیعتاً اینها را متهم می‌کند و اجازه ادامه فعالیت نمی‌دهد حق قانونی اش هم هست، هیچ خللی به لحاظ حقوقی در این ماجرا وارد نیست، گروسی هم نمی‌خواهد بپذیرد که آژانس کار سیاسی کرده و کسانی را فرستاده که بخواهند اختلالی ایجاد کنند. بر همین اساس سعی می‌کند پافشاری خود را در این موضوع ادامه دهد. اگر این سیاسی‌کاری ادامه پیدا کند به ضرر آنهاست، الان سعی می‌کنند با فضای رسانه‌ای و فشار سیاسی ایران را قانع کنند که هم به آن افراد مجوز بدهد و هم سطح دسترسی‌ها را به قبل برگردانند. طبیعتاً اگر این پافشاری ادامه پیدا کند و از آنجایی که ایران در این پافشاری محق است، آنها مجبور می‌شوند موضع خود را تغییر دهند.»

طبق اساسنامه آژانس ایران حق دارد همکاری خود را تعدیل کند

این کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه به این موضوع اشاره کرد که هرکشوری حق دارد برای صدور مجوز ورود افراد حساسیت‌هایی داشته باشد و گفت: «اساساً چه در چهارچوب برجام چه خارج از آن، در همکاری کشورها با آژانس، حق استقلالیی برای آنها لحاظ می‌شود، حالا آژانس که یک حوزه تخصصی است اما سفرا و دیپلمات‌ها نیز این طور هستند، پس هر کشوری بخواهد نماینده‌ای بفرستد میزبان باید مجوز ورود بدهد. کشورها حق دارند که از این حق استفاده کنند و اگر ملاحظه‌ای دارند این مجوز را ندهند. ماجرا این است که چون برنامه هسته‌ای ما مقداری جنجالی شده بود و حساسیت آن بالا بود و در دوره‌ای هم ما خیلی متعهد به گفت‌وگو بودیم و مبنای سیاست خارجه‌ای ما مذاکرات هسته‌ای شده بود، طرف مقابل فکر می‌کند که می‌تواند از این اهرم برای اعمال فشار استفاده و روی آن پافشاری کند تا به آنچه خودشان می‌خواهند، برسند. طبیعی است که چه گروسی و چه دیگر نمایندگان نهاد‌های بین‌المللی باید پافشاری خودشان را کنند، چون موضعی دارند که درست نیست. کار آن شخص این است که روی موضعش پافشاری کرده و سعی کند تا جایی که می‌توان امتیاز بگیرد. ما هم باید از حق خودمان استفاده و مستندات خودمان را نیز ارائه کنیم که این بازرسان شیطنت‌هایی داشتند و آن هدفی که باید دنبال بشود، نشده است. طبق برجام و اساسنامه آژانس ما این حق را داریم که میزان همکاری مان را تعدیل کنیم و متناسب با همکاری طرف مقابل این محدودیت‌ها و نظارت‌ها را بپذیریم، وقتی آن تعهد مخدوش شده، ما هم می‌توانیم از حق‌مان استفاده کنیم. بقیه ماجرا و اتفاقاتی که در این سال‌ها افتاده کمی فراتر و در حاشیه‌تر از روند حقوقی بوده و صرف قاعده نیست. مثلاً در دولت قبلی نیاز به مذاکره احساس شده و حتی در مواردی تیم مذاکره‌کننده حاضر شد کوتاه بیاید، یعنی به این معنی نیست که اگر کوتاه آمدند حتماً باید کوتاه می‌آمدند. نه، یک جاهایی فکر می‌کردند اگر کوتاه بیایند کار پیش می‌رود و به آن هدفی که می‌خواهند می‌رسند. لذا آن حق ایجاد نمی‌کند و قاعده نمی‌سازد. آن چیزی است که در حقوق است که از اول بوده و الان هم هست و ما می‌توانیم آن را محدود کنیم و باید مشخص شود که میزان علاقه‌مندی و اصرار ایران بر گفت‌وگوهای هسته‌ای چقدر است. اگر بدانند این جزء اولویت‌ها نیست و ضروری سیاست خارجی ما نیست، مجبورند کوتاه بیایند. آنها همچنان به این فکر می‌کنند نیاز ایران است که یک مذاکره و گفت‌وگو برای رفع تحریم داشته باشد و مجبور می‌شود امتیاز دهد. اگر این تصویر کاملاً شفاف شود که ایران نیاز حیاتی به مذاکره برای رفع تحریم ندارد آن موقع داستان تغییر می‌کند و آنها کنار می‌آیند.»